



نگاهی عمیق تر به حمد و شکر

سیر منطقی و خلاصه جلسه اول

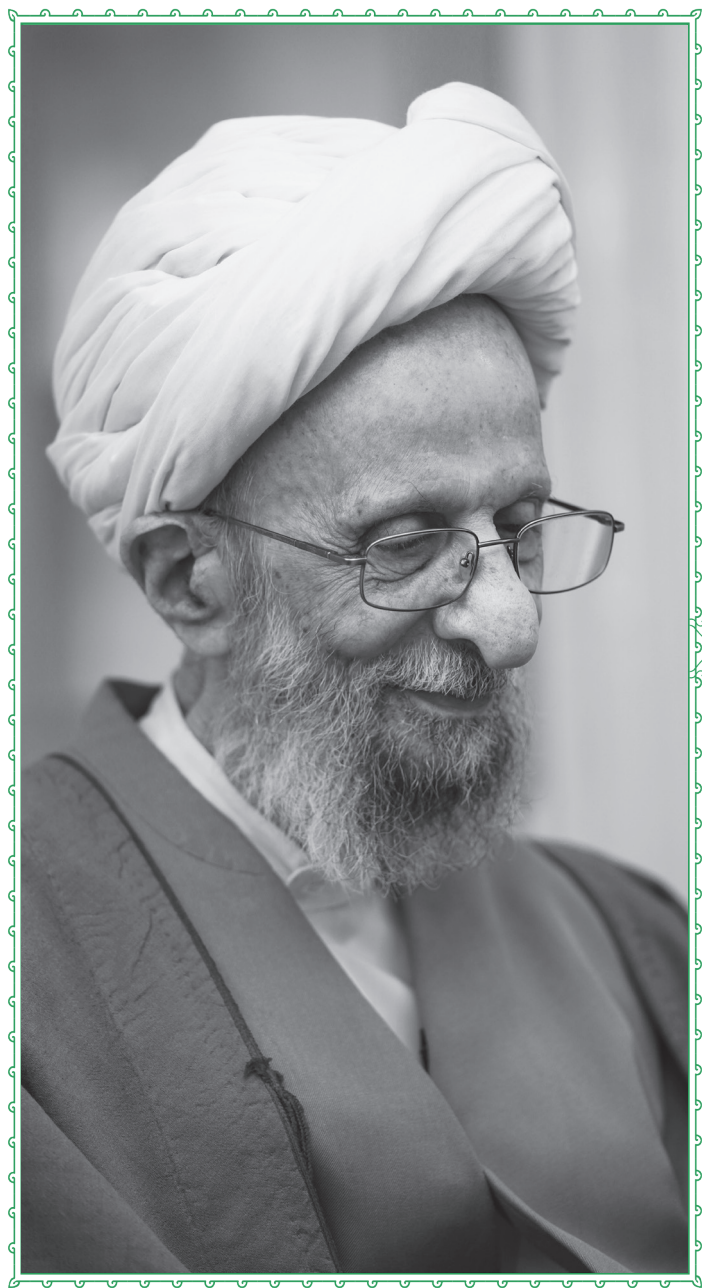
«به سوی بهار»؛ نگاهی دوباره به سلسله

جلسات شرح دعای ۴۴ صحیفه سجادیه

توسط مرحوم علامه مصباح یزدی رحمۃ اللہ علیہ

کاری از رسانه @MESBAHYAZDI-IR





بسم الله الرحمن الرحيم

• سیر فکری مباحث

مقدمه: در ابتدای دعا، امام زین العابدین علیه السلام به ستایش خداوند می پردازد و از او درخواست می کند که ما را از اهل شکر قرار دهد تا در برابر نعمت هایش، شکرگزار باشیم.

تفاوت و ارتباط حمد و شکر: برای فهم بهتر مفهوم «حمد» و «شکر» در دعا، ابتدا باید تفاوت و ارتباط آن ها با یکدیگر مشخص شود. درست است که حمد به معنای ستایش و بروز احساس خضوع است و شکر، واکنشی به نعمت ها و خدمات است اما این دو، یک مصداق و حقیقتی واحد دارند و در ادامه به این سؤال که حقیقت حمد و شکر چیست، پرداخته می شود.

حقیقت حمد و شکر: با بیان حقیقت حمد و شکر که «توجه به نعمت و رضایت از خدمت» است، سپس به این مسئله پرداخته می شود که چگونه توجه به نعمت ها می توانند از نیازهای مادی فراتر رفته و به امور معنوی برسند تا فرد، شکرگزار نعمت های معنوی الهی نیز باشد.

عنایت خداوند به شاکرین: با توجه به اینکه رسیدن به مقام شکرگزاری نیازمند عنایت الهی است، این قسمت به بررسی چگونگی این عنایت و نقش خداوند در توفیق بنده برای شکرگزاری می پردازد.

توان عقل در شناخت خدا: پس از بررسی ابعاد مختلف

حمد و شکر، این قسمت به یک بحث جانبی اما مرتبط می‌پردازد و به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا شناخت خدا تنها از طریق عقل ممکن است یا نیاز به دین نیز وجود دارد؟ این بحث، زمینه را برای بررسی عمیق‌تر مفهوم «جعل» و «هدایت» الهی که در دعا ذکر شده، فراهم می‌کند.

جعل و هدایت تکوینی و تشریعی: با توجه به اهمیت مفهوم «جعل» و «هدایت» ذکر شده در دعا، این قسمت به بررسی انواع جعل (تکوینی و تشریعی) و تفاوت هدایت تکوینی و تشریعی می‌پردازد. امام زین‌العابدین علیه السلام با توجه به این نکات، به نعمت‌های بزرگ الهی و هدایت ما به سوی شکرگزاری اشاره می‌کند و بر این نکته تأکید دارد که رسیدن به مقام شکرگزاری، خود تفضل و رحمت خداوند است.



• خلاصه مباحث

۱. مقدمه:

۱. آغاز دعای ورود به ماه رمضان توسط امام زین العابدین علیه السلام

با حمد و ستایش خداوند

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ وَجَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ لِنُكُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِيَجْزِيَنَا عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ...؛ ستایش بی حد، خداوندی را سزااست که ما را هدایت کرد تا او را شاکر باشیم و از کسانی باشیم که شایسته سپاسگزاری او هستند؛ شاکر نیکی های او باشیم تا در برابر این شکرگزاری، پاداش نیکوکاران را به ما عنایت فرماید.»

۲. درخواست از خداوند با صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم

امام زین العابدین علیه السلام، دعای ورود به ماه مبارک رمضان را با حمد و ستایش الهی، البته به صورتی بسیار زیبا و با ترتیبی منطقی و جالب، آغاز فرمودند. سپس، طی فقراتی که هریک با صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم آغاز شده است، از خدای متعال درخواست هایی کردند.

۳. احتمال های موجود در تفسیر ضمیر «مِنْ أَهْلِهِ»

در این فقره از دعا، احتمال داده شده است که مرجع ضمیر «مِنْ أَهْلِهِ»، «الله» باشد؛ یعنی ما را از «اهل الله» قرار دهد. این احتمال هرچند متضمن معنای لطیفی است، اما چندان احتمال قوی ای نیست.

۲. تفاوت و ارتباط حمد و شکر

پرسش این است که حمد و شکر چه تفاوت و نیز چه ارتباطی باهم دارند؟



۱. تعریف حمد به عنوان ستایش ناشی از تعظیم و خضوع

«حمد»، که در فارسی به «ستایش» ترجمه می‌شود، از گونه‌ای احساس تعظیم و خضوع نسبت به فردی، سرچشمه می‌گیرد؛ فردی که ما خوبی‌هایی در وی سراغ داشته باشیم؛ به آن خوبی‌ها توجه کنیم و درصدد ستایش آن خوبی‌ها برآییم.

۲. تعریف شکر به عنوان سپاسگزاری در قبال نعمت و خدمت

«شکر» به معنای «سپاسگزاری» است و در قبال نعمت یا خدمتی که به انسان می‌شود، انجام می‌گیرد. بنابراین سپاسگزاری و شکر، نوعی جبران و واکنش انسان در قبال خدمت، نعمت، عطا یا احسانی است که به او شده است.

۳. تطابق حمد و شکر در بسیاری از موارد و مصادیق

علی‌رغم تفاوت مفهومی این دو واژه، از نظر مورد و مصداق، چندان تفاوتی بین آن دو به چشم نمی‌آید. حمد و شکر در بسیاری از موارد و مصادیق باهم تطابق دارند.

۳. حقیقت حمد و شکر:

۱. توجه به نعمت و رضایت از خدمت، حقیقت ستایش و

سپاسگزاری

نفس توجه به نعمت و رضایت کامل از کار و خدمتی که انجام شده است، خود ستایش و سپاسگزاری است؛ چراکه شُکر و سپاس، به معنای توجه، یادآوری، اندیشه نعمت و نیز نشان دادن و اظهار آن است. همچنین به معنای شناختن و معرفت یافتن درباره نعمتی که به انسان داده شده و نیز بیان و نشر آن است. در برابر آن، واژه کفر و کفران به معنای فراموش کردن نعمت و نیز پوشاندن آن است.

۲. مراتب مختلف ستایش‌ها و سپاسگزاری‌ها (توجه به

نعمت‌های مادی و معنوی)

البته نوع ستایش‌ها و سپاسگزاری‌ها متفاوت و دارای مراتب است. غالب افراد، مانند ما که در مراتب اولیه معرفت هستیم، در دعاها و در مقام حمد و سپاس الهی، به نعمت‌های مادی و دنیوی توجه داریم.

۳. نگاه به اعمال دینی مانند نماز و روزه به عنوان نعمت (در

مقابل نگاه تکلیفی)

بسیاری از مردم، اموری چون نماز، روزه ماه مبارک رمضان و... را نعمتی نمی‌دانند که نسبت به آن احساس نیاز کنند، بلکه آن را نوعی وظیفه و تکلیف می‌دانند و در انجام آن احساس تکلف و زحمت می‌کنند.

اقامه نماز که چند دقیقه بیشتر طول نمی‌کشد و خستگی چندانی نیز برای انسان ندارد، چون بار گرانی است که بر دوش کسانی سنگینی می‌کند. این بدان دلیل است که ایشان از معنویات فاصله گرفته‌اند و اساساً انجام عبادات برای ایشان لذتی در پی ندارد و برای آن اهمیتی قائل نیستند. البته عده‌ای از بندگان خدا هستند که در مراتب بالاتری از معرفت قرار دارند. ایشان بیش از مسائل مادی به امور معنوی توجه دارند.

از جمله نعمت‌های معنوی که امام زین‌العابدین علیه السلام در این دعا به آن اشاره دارند و حمد و شکر آن را به جای می‌آورند، نعمت ماه مبارک رمضان و انبوه نعمت‌هایی است که خداوند در این ماه برای بندگان در نظر گرفته است.

۴. تأثیر رواج سنت‌های اجتماعی دینی بر تسهیل عبادات

جای خوش حالی است که رواج برخی سنت‌های اجتماعی دینی باعث رواج عباداتی چون نماز و روزه شده و در نتیجه، انجام آن را برای افراد تسهیل کرده است.

۴. عنایت خداوند به شاکرین:

۱. ستایش و سپاسگزاری به عنوان نعمت عظیم

ستایش و سپاسگزاری، خود نعمت عظیمی است که نصیب هرکس نمی‌شود. همه غرق در نعمتیم، اما توجه به آن و بیان و انتشارش کاری نیست که همه ما موفق به انجامش شویم. اگر بنده‌ای موفق به شکر شد، این خود نشانه عنایت دیگری از سوی خداوند به بنده است. به همین دلیل بنده مطیع خداوند، امام سجاده علیه السلام در مقام حمد و سپاسگزاری ابتدا به این نکته توجه پیدا می‌کنند که: «پروردگارا، چگونه شکر تو را به جای آورم و تو را ستایش کنم که چنین نعمتی را به ما مرحمت کردی و چنین فضیلتی را برای ما قرار دادی؟!»

۲. توجه به این نکته که چه کسی حمد و سپاسگزاری را به ما

یاد داده است

سپس، با دقت در پرسش پیشین به مطلب بسیار مهم‌تر و لطیف‌تری نیز توجه پیدا می‌کنند: امام سجاده علیه السلام در مقام حمد و سپاس از نعمت‌های الهی، آن مطلب مهم را با این پرسش از خویش بیان می‌فرمایند که اساساً چه کسی حمد و سپاسگزاری از نعمت را به ما یاد داده است؟

۳. یادآوری لزوم حمد و سپاس الهی در قرآن

لزوم حمد و سپاس الهی که خود حکمی عقلی است، چندان



مهم است که خداوند متعال به صورت‌های گوناگون آن را به ما یادآور شده است. اولاً «حمد» را اولین و شریف‌ترین سوره قرآن و آن را عدل تمام قرآن قرار داده است و به پیامبر فرمود: «ولقد آتيناك سبعاً من المثاني والقرآن العظيم»^۱. ثالثاً چند سوره دیگر نیز با عبارت «الحمد لله» آغاز شده اند. رابعاً در جای جای قرآن با عبارات مختلف نظیر «سبح بحمد ربك» توصیه و دستور به حمد تکرار شده است.

۴. توفیق فهم ستایش و سپاس و سپس عمل به آن، به عنوان نعمت الهی

خداوند متعال، ابتدا توفیق فهم ستایش و سپاس، و سپس توفیق عمل و به جای آوردن آن را به ما عطا فرموده است.

۵. توان عقل در شناخت خدا:

۱. طرح این سؤال که آیا با عقل و فلسفه می‌توان به شناخت کاملی از خدا رسید؟

خوب است اینجا و به مناسبت، این بحث را مطرح کنیم که آیا با کمک دلایل عقلی، براهین و مسائل فلسفی و کلامی می‌توان خدا را به‌گونه‌ای شناخت که از تعالیم دین مستغنی شد یا خیر؟

۲. نقل مناظره با متکلمان مسیحی و یهودی در این زمینه

در یک مناظره علمی که بین ما و دو تن از متکلمان مسیحی و یهودی برقرار شده بود، موضوع بحث همین مسئله بود. کشیش مسیحی: اعتقاد داشت که شناخت خداوند تنها

۱. سوره حجر، آیه ۸۷.

به وسیله عقل و فقط با برهان و روش های فلسفی ممکن است.

خاخام یهودی: معتقد بود که روش های فلسفی و براهین عقلی توان اثبات خدا را ندارند و نمی توانند ما را با او آشنا کنند؛ بلکه اثبات وجود خدا و شناخت او، تنها در خود دین و از راه وحی، یعنی تورات و تبعیت از انبیای الهی ممکن است.

۳. دیدگاه اسلام: اثبات وجود خدا با عقل ممکن است اما شناخت جزئیات و کیفیت ارتباط با خدا از طریق دین است.

ما به عنوان یک مسلمان و بنا به درخواست آنها چنین پاسخ دادیم که: اثبات وجود خدا به عنوان آفریننده جهان و انسان، تنها با عقل و برهان عقلی ممکن است و اگر منکر توان برهان عقلی در این موضوعات باشیم، اساساً حجیت و اعتبار دین، به معنای نزول محتوای دین از طرف خداوند به پیامبر، قابل اثبات نخواهد بود.

۴. لزوم هر دو طریق (عقل و دین) برای شناخت خداوند

بنابراین، از نظر ما، هر دو طریق، یعنی طریق عقل و برهان عقلی و طریق وحی و دین، لازم است و هیچ کدام جای دیگری را نمی گیرد.

۵. برتری معارف دینی اهل بیت (علیهم السلام) در بیان چگونگی ارتباط با خداوند

البته هر که از معارف دین و اولیای الهی بیشتر بهره مند باشد، از این مواهب بهره بیشتر و بهتری خواهد برد. ما مسلمانان و به ویژه شیعیان، فراگیری این گونه معارف را که بیان کننده



چگونگی ارتباط با خداوند متعال است، مدیون رسول خدا و اهل بیت علیهم السلام هستیم.

۶. جعل و هدایت تکوینی و تشریعی:

۱. تفسیر عبارت «وَجَعَلْنَا مِنْ أَهْلِهِ»

در فقره بعدی امام زین العابدین علیه السلام می فرمایند: وَجَعَلْنَا مِنْ أَهْلِهِ؛ «خداى را شاكریم كه ما را از شاكرین و اهل حمد قرار داده است».

در این فراز، مطلب به مراتب بالاتر و مهم تر، و فهمش مشکل تر است.

۲. تبیین مفهوم «جعل» و «اراده» به دو صورت تشریعی و

تکوینی

مشیت، جعل و اراده‌ای که به خداوند نسبت داده می شود، دو صورت دارد: تشریعی و تکوینی.

۱. گاه گفته می شود که خداوند دستور داده است تا چنین شود. و در این صورت جعل یا اراده، تشریعی است؛ مثلاً خداوند از ما می خواهد که نماز بخوانیم؛ یعنی اراده تشریعی او بر نماز خواندن ما تعلق گرفته و آن را بر ما واجب کرده است.

۲. گاه گفته می شود که خداوند تکویناً امور را طوری قرار داده و وسایل را به گونه ای فراهم کرده است تا چنین شود؛ در این صورت، اراده، مشیت یا جعل، تکوینی است. اراده تشریعی خداوند بر نماز خواندن ما تعلق گرفته و آن را بر ما واجب کرده است، اما وقتی موفق به نماز خواندن

می شویم، بر اساس اراده تکوینی است.
در آیه شریفه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ
وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»، گو اینکه اراده تشریعی الهی هم مراد باشد،
اما نسبت به اهل بیت علیهم السلام، غیر از آن اراده تشریعی، اراده
تکوینی هم تعلق گرفته است.

۳. تفاوت هدایت تشریعی و تکوینی

در فراز گذشته که فرمودند: «هَذَا نَا لِحَمْدِهِ»، هدایت می تواند
هم تشریعی باشد و هم تکوینی؛ چراکه:

۱. یا مقصود این است که خدا به ما نعمت عقل، وحی و
دین عطا کرد و بالاخره اسبابی فراهم ساخت تا ما با دین
آشنا و دین دار شویم؛ و در نتیجه با اصل سپاسگزاری
و ستایش الهی و طرق آن آشنا شویم؛ و در این صورت
هدایت به حمد، هدایت تکوینی است.

۲. نیز ممکن است مقصود، دستور و امری استحبابی
به حمد و سپاس خداوند باشد؛ مانند دیگر اوامر و
دستورهای استحبابی که خداوند خواسته است تا ما
از آن طرق موفق به انجام عملی شویم و از برکات آن
بهره مند گردیم. در این صورت هدایت به حمد، هدایت
تشریعی خواهد بود.

۴. «جعل» در «وَجَعَلْنَا مِنْ أَهْلِهِ» به عنوان تفضل و عنایت

الهی (نه هدایت تشریعی)

پس از روشن شدن جایگاه هرکدام از اراده، جعل و مشیت
تکوینی و تشریعی، حال، جای این پرسش است که در

عِبَارَتِ جَعَلْنَا مِنْ أَهْلِهِ مَقْصُودَ جَعَلِ تَشْرِيعِي اسْتِ يَا تَكْوِينِي؟

در خصوص این فقره که فرمودند: «جَعَلْنَا مِنْ أَهْلِهِ»، این جعل، دیگر هدایتی تشریعی و وابسته به اراده ما نیست، بلکه تفضل و عنایتی از سوی خداوند به بندگان است که توفیق سپاسگزاری به درگاهش را پیدا کرده‌اند.

۵. نتیجه: توجه به دو نعمت الهی: یاد دادن حمد و ستایش و فراهم کردن اسباب اهل حمد شدن

امام زین العابدین علیه السلام در این فقره از دعا، ما را به دو نعمت و توفیق الهی توجه داده است: خداوند حمد و ستایش خود را به ما یاد داده و اسباب و وسایل اهل حمد شدن را برای ما فراهم کرده تا عملاً به ستایش الهی پردازیم.

عبارت «جَعَلْنَا مِنْ أَهْلِهِ» (قرار دادی ما را از اهل آن) نیز بیانگر تفضلی الهی به بندگان است که توفیق سپاسگزاری یافته‌اند.

۱۳۸۷، ۶، ۱۳

متن و صوت کامل جلسه را از [اینجا](#) ببینید



@mesbahyazdi_ir | mesbahyazdi.ir